اجتهاد و تقلید

به کوشش
محمدحسین شهری

بسم الله الرحمن الرحيم

اجتهاد و تقلید

نویسنده:

محمدحسین شهری

ناشر چاپی:

موسسه فرهنگی نبا

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

اجتهاد و تقلید

مشخصات کتاب

سرشناسه : شهری، محمدحسین

عنوان و نام پدیدآور : اجتهاد و تقلید/ به کوشش محمدحسین شهری

مشخصات نشر : تهران: موسسه بناآ، ۱۳۷۶.

مشخصات ظاهری : ص ۲۴

شابک : ۹۶۴-۶۶۴۳-۰۱-۹بها:۱۰۰۰ریال

یادداشت : گروه سنی "ه" دوره دبیرستان

موضوع : اجتهاد و تقلید

رده بندی کنگره : BP۱۶۷/ش۹الف۳ ۱۳۷۶

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۱

شماره کتابشناسی ملی : م ۷۷-۴۳۹۶

ص: ۱

اشاره

اجتهاد و تقلید

به کوشش

محمّدحسین شهری

انتشارات نبأ

بسم الله الرحمن الرحیم

مقدّمه

بـا توجّه به اینکه جوانـان عزیز مـا یا به سنّ تکلیف رسـیده و یا در شـرف رسـیدن به آن هسـتند و بایـد اعمال دینی را از زمان تکلیف کاملاً صـحیح و مطابق با شرع مقدّس انجام دهند ، در این نوشتار ، ابتدا بحث «اجتهاد و تقلید » از کتاب «در جستجوی علم دین» تألیف آیت ا... سید محمد ضیاءآبادی را ــ با تغییری اندک در عبارات ــ عرضه کرده ، سپس برای آگاهی اجمالی از مسائل مربوط به اجتهاد و تقلید ، احکام مربوط به آن را از رساله توضیـح المسائل مرحوم آیت اللّه بروجردی آورده ایم . به این امید که این مجموعه توانسته باشد کمکی برای جوانان عزیز در ادای فرامین دینی کرده باشد .

انشاءا...

هر فرد معتقد به «خدا» و «روز جزا» که به سنّ تکلیف شرعی رسیده باشد ، خود را موظّف به فرا گرفتن دستورات آسمانی دین و عمل به آنها می داند تا دچار عذاب خدا و مهالك پس از مرگ نگردد .

بنابراین از جمله علومی که تحصیل آن بر هر فرد مسلمانی واجب است ، علم «فقه» یعنی علم به احکام الهی است ؛ یا از طریق «اجتهاد» و یا از طریق «تقلید» . یعنی فرد مسلمان یا باید بکوشد تا با به دست آوردن شرایط لازمِ «اجتهاد» توانای بر استنباط احکام از منابع اصلی آن گردد ، و یا با مراجعه به متخصّصین در فنّ استنباط و اجتهاد ، از احکامِ مربوط به اعمال خود آگاه شود .

اجتهاد

اشاره

معنا و مفهوم اجتهاد به کاربردن منتهای سعی و کوشش

در استنباط و به دست آوردن احکام خدا از روی ادلّه معتبر شرعی است که عبارتند از : «قرآن» ، «حدیث» ، «اجماع» و «عقل» .

از آنجا که تمامی مسائل مربوط به زندگی انسان ، از فردی و اجتماعی ، حقوقی و جزایی ، سیاسی و اقتصادی، در زمان حال و زمانهای آینده ، در شریعت آسمانی اسلامی از جانب خداوند علیم و حکیم ، حکمی برای آن مقرّر شده و ضمن آیات قرآن و بیانات رسول مکّرم و ائمّه معصومین ــ صلوات اللّه و سلامه علیهم اجمعین ــ به گونه قواعد کلّی یا دستور خصوصی ابلاغ شده است . بر مجتهدین است که برای فهم و استنباط آن احکام از کتاب خدا و سنّت رسول و عترت (ع) بذل وُسع و کوشش لازم بنمایند .

پس باید توجّه داشت که «اجتهاد» به معنای «قانونگذاری» نیست ــ چه که آن ، شأن خدا ربّ العالمین است و بس ــ بلکه به معنای تَفَحّص و جستجوی قانون و استکشاف آن از لابلای مدارک مخصوص است ، و در تعریف «فقه» می گویند : عبارت از آگاهی از احکام شرعیِ

فرعی از روی ادلّه مشروح و مفصّل آن است .

به طور حتم بایـد گروهی از اهـل ایمـان در مقـام تحصـیل نیروی «تفّفه» و اسـتنباط احکـام برآینـد تـا هم خود بتواننـد عمل به وظایف دینی بنمایند و هم معلومات خود را در اختیار دیگر مسلمانان گذارده ، آنها را با وظایف اسلامی خویش آشنا سازند . چنانکه قرآن هم در سوره توبه آیه ۱۲۲ می فرماید :

«پس چرا بسیج نمی شوند از هر طایفه ای گروهی تا بصیرتی در دین کسب کنند و مردم خویش را هنگامی که به سوی آنان باز می گردند ، (با پندهای خود) هشدار دهند ، باشد که آنان از کارهای ناپسند بپرهیزند» .

اهّم شرایط در مسئله « اجتهاد »

هر چنـد «اجتهاد» در انحصار شخصـی یا گروه خاصّ‍ی نیست ، بلکه این در به روی همه کس باز است ، امّا از آن نظر که یک امر تخصّصـی و فنّی است ، طبعا مانند سایر امور تخصّصی احتیاج به طیّ مراحل مقدّماتی و تحصیل شرایط خاصّ به خود دارد .

بدیهی است کسی که می خواهد در رشته «تفقّه» و

استنباط احکام از کتاب و سنّت ، تخصّص فنّی به دست آورد ، راهی جز این ندارد که ابتدا علوم مختلفی را که جنبه مقدّمی دارند تحصیل نماید ، وآن علوم عبارتند از :

ادبیّات عرب ، منطق ، اصول فقه _ با گسترشی که دارد_ تفسیر قرآن و شناخت آیات ناسخ و منسوخ و متشابه و محکم ؛

«علم الحدیث» یعنی اطّلاع از چندین هزار حدیث که در طول متجاوز از سیصد سال از زمان رسول اکرم (ص) تا آغاز غیبت که برای حضرت ولّی عصر _ عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف _ صادر شده است و تشخیص و تمییز اقسام آن از : «صحیح» و «حَسَن» و «ضعیف» و «موثّق» ، «مُسند» و «مُرْسَل» و «متواتر» و «آحاد» ؛ و واقع بودن به راه علاج «تعارض» اَخبار و اعمالِ قواعد «اِطلاق» و «تقیید» ، «تعمیم» و «تخصیص» ، «اجمال» و «تبیین» در فهم آیات و روایات ؛

و داشتن «علم الرّجال» یعنی آگاهی از طبقات رُوات و شناختن چگونگی حال راویان حدیث از حیث صحّت و فساد در «عقیده مذهبی» و موثّق و غیر موثّق بودن در

«ضبط» و «نقل» حدیث ؛

و همچنین آشنا بودن با مسائل «اجماعی» و «اختلافی» تا فتوای خلاف اجماع فقها از وی صادر نشود.

و حتّی لازم است از تاریخ اسلام و مقتضیات وضع سیاسی زمان امامان (علیهم السلام) و کیفیت صدور احادیث و نقل آن به وسیله راویان ، آگاه باشد و فتاوای فقهای سایر فِرَق اسلامی را در هر مسئله بداند .

و بالاخره عالم به زمان خویش و آنچه در جهان می گذرد باشد تا موضوعات احکام را آنچنانکه هست بشناسد .

آری به کسی که در این مسیر مقصد عالی قدم برمی دارد ، باید تمامی این علوم عدیده را که تحصیل آن نیازمند زمانی طویل می باشد و جنبه مقدّمی دارند ، برای «تفقّه» به قدر کافی تحصیل نماید .

و تازه پس از تحصیل همه این علوم ، نوبت مطلب بزرگ دیگری می رسد که می شود گفت اساسی ترین و اهمّ شرایط در مسئله اجتهاد است و آن به دست آوردن «مَلَکه استنباط» یعنی آن نیروی عظیم نفسانی است که بر اثر

ممارست و مـداومت عملی طولانی در مناظرات علمی و مباحثات تدریسـی و تمرینات مکرّر در اِعمال قواعد کلّی در ردّ فروع بر اصول و تضـارب آراء و تبـادل افکار با صاحب نظران و مجتهـدان در میـدان گرم و پر شور حوزه های علمیّه و قهرمانان فنّ برهان و جـدل پدید می آید و در پی آن یک نوع حالت پختگی و ورزید گی و قهّاریّت روحی در تطبیق قواعد کلّی بر مسائل جزئی در شخص به وجود می آید .

و در این موقع می شود گفت او یک «فقیه» واقعی و یک «مجتهد» است .

مناسب است در اینجا در باب شـرایط اهلّیت فتوا مضـمون کلام مرحوم شیخ زین الدّین عاملی معروف به «شهید ثانی» ـ قدس الّله سرّه الشریف ـ در کتاب «شرح الّلمعه» ، کتاب القضاء ، بیاوریم که می فرماید :

علاوه بر لزوم تحصیل علوم ، آنچه رکن عمده در این باب است ، به دست آوردن نیرویی است که به وسیله آن ، شخص عالم ، قادر بر استنباط و ردّ فروع بر اصول باشد ؛ و آن ، موهبتی است که خداوند حکیم بر اساس

اراده حکیمانه اش به هر کـدام از بنـدگانش که سعی و تلاش بسیار و ممارست مستدام از خود نشان دهد اعطا می کند ؛ که خود فرموده است : «آنـانکه در راه مـا بکوشـند ، مـا آنها را به راههای خویش هـدایت می کنیم . چه آنکه خـدا با نیکوکاران است .»

و همچنین مرحوم شیخ انصاری ـ قدّس اللّه سرّه الشریف ـ با دارا بودن آن مرتبه بسیار بلنـد از دقّت نظر و عمق تحقیق در مسائل مختلف علمی که مورد قبول همگان است ، در مقام ارائه بالا بودن جایگاه «اجتهاد» و توجّه دادن به سخت بودن نیل به آن مقـام ، به دست آوردن آن را سخت تر از جهاد طولانی با دشـمن نشان داده و از خـدا می خواهـد که آن رتبه عظیم را به عنوان یک رزق و موهبت عظمای الهی به او عنایت فرماید! تعبیر آن مرد بزرگ این است :

«خداوند ، «اجتهاد» را به ما روزی فرماید ! چه آنکه اجتهاد ، سخت تر از یک جهاد طولانی است »!

هراس بزرگان از تصدّی مقام « فتوا » !

به خاطر مسئولیت هراس انگیز «مرجعیت» بزرگان از اتقیای علما تا حد امکان از قبول آن استنکاف می کردند و

خود را ــ با وجود داشتن اهلیّت کامل ــ از جرگه صاحبان فتوا دور نگه می داشتند . از این باب این قصّه را مطالعه فرمائید تا شمّه ای از سنگینی بار «مرجعیت» و «اِفتاء» را احساس نمایید .

وقتی که فقیه نامدار عالی مقام ، مرجع بزرگ شیعه در عصر خویش ، مرحوم حاج شیخ محمد حسن نجفی صاحب تألیف گرانقدر «جواهرالکلام» از دنیا رحلت کرد، در میان علمای صاحب نظر و فقهای حوزه علمیّه نجف ، تمام چشمها دوخته شد به سوی شخصیت عظیم فقه و اجتهاد ، مرحوم حاج شیخ مرتضی انصاری ، و همگی متّفق بر این شدند که آن بزرگوار به عنوان مرجع کلّی معرّفی گشته ، امر زعامت حوزه و ریاست دین عامّه مسلمین به دست ایشان سپرده شود .

ولی آن مرد بزرگ از پذیرفتن این امر مهم استنکاف کرد و فرمود : با بودن فرد اعلم از من «سعید العلماء» مازندرانی حقّ من نیست که متصدّی امر «فتوا» باشم !

چون سعید العلماء با شیخ انصاری شریک بحث و درس بوده اند و حضرت شیخ کاملاً به مقامات علمی او

واقف بوده است ، لذا او را به اعلمیّت از خود معرّفی کرد. در آن زمان ، سعیدالعلماء از حوزه خارج شده ، در مازندران اقامت داشته است . لذا کسانی را از نجف به مازندران اعزام کرده ، از آن عالم جلیل کسب تکلیف می کنند . ایشان در جواب می گوید : اگر فرضا من در گذشته اعلم از شیخ بوده ام ، ولی اشتغال مداوم شیخ در حوزه به درس و بحث و دور افتادن من از حوزه و متارکه مناظرات علمی ، رتبه ما را عکس سابق کرده ، و اَلحال ، جناب شیخ اعلم از من است و برای تصدّی مقام مرجعیت و فتوا اولی و احقّ از من !

و پس از این جریان بود که مرحوم شیخ مرتضی انصاری _ اعلی الله مقامه الشریف _ احساس وظیفه شرعی کرده ، اظهار فتوا نمود و عملاً نشان داد که تصدّی مقام «افتاء» یک تکلیف الهی است که به هنگام حصول شرایط ، در عمل به آن باید اقدام گردد .

تقلید

اشاره

معنا و مفهوم تقلید عبارت است از : «مراجعه افراد غیر وارد در مسائل تخصّصی به افراد متخصّص » .

هر کس در یک رشته از رشته های علمی و فنّی تخصّص و اطّلاع کافی نداشته باشد و در جریان زندگی نیاز به امری از امور مربوط به آن علم پیدا کند ، طبعا به افراد متخصّص در آن علم مراجعه می کند و از آنها نظرخواهی نموده ، طبق آن عمل می کند . و از این روش در اصطلاح علمی و فقهی تعبیر به «تقلید» می کنند .

بدیهی است این معنا از «تقلید» از ضروریّات زندگی اجتماعی بشری است که بدون آن ، نظام حیاتی انسانها در اندک مدّتی رو به اختلال رفته ، از هم خواهد پاشید .

چه آنکه این واقعیّت بر همه کس روشن است که هیچ فردی ـ به طور عادی ـ ممکن نیست در تمام رشته های علوم مورد نیاز بشر ، اطّلاعات کافی در حدّ «تخصّص» داشته باشد . و فرضا که افرادی بسیار پر استعداد و زحمتکش در چند رشته از علوم به حدّ تخصّص رسیده و صاحب نظر شده باشند ، باز همانها در رشته های دیگر علمی ، نیاز به تقلید ـ یعنی مراجعه به متخصّصان و صاحب نظران در آن رشته ها ـ خواهند داشت .

از باب مثال ، یک فرد متخصّص در رشته پزشکی که

تخصّص در رشته مهندسی ساختمان ندارد ، در صورت نیاز به نقشه مطلوب برای احداث یک ساختمان ، چاره ای جز مراجعه به یک فرد متخصّص در رشته مهندسی ندارد. همانگونه که آن فرد متخصّص در رشته مهندسی نیز به هنگام عروض بیماری حلق و گوش و بینی ، ناگزیر از مراجعه به پزشک متخصّص در علاج بیماری مزبور می باشد .

توجّه می فرمائید که این مراجعه ، یک برنامه مستمرّ جاری در حیات اجتماعی مردم در هر عصر و زمانی و در هر منطقه و مکانی بوده و هست و باید باشد .

قرآن کریم هم در مقام ارشاد به همین روش عقلایی اشاره کرده می فرماید :

«اگر نمی دانید ، از اهل اطّلاع سؤال کنید» (نحل/۴۳ ، انبیاء/۷)

به این ترتیب ، «اصل تخصّص» نه تنها در مورد مسائل دینی ، بلکه در همه مسائل مربوط به زندگی اجتماعی ، از سوی «قرآن» به رسمیّت شناخته شده و اتّکا بر آن در تمام زمینه ها مورد تأکید قرار گرفته است . و روی این اصل

مسلّم «عقلی» و «قرآنی» بر امّت اسلامی لازم است در هر عصر و زمانی ، افراد متخصّص و صاحب نظر در همه زمینه های «علمی» ، «صنعتی» ، «اقتصادی» ، «سیاسی» و دیگر امور مورد نیاز به اقتضای زمان ، داشته باشند تا افراد غیر متخصّص به هنگام نیاز ، به آنها مراجعه نمایند .

عنصر « تقوا » در تقلید

یکی از افتخارآمیزترین اموری که در مسئله «تقلید در احکام دینی» در مکتب مقدّس «تشیّع» اعتبار و لحاظ آن به طور لزوم و وجوب شرط شده است ، موضوع «تقوا» و «وَرَع» و ملکه «ترک هَوی» و «خوف از خدا» است که باید شخص فقیه و مجتهد دارا باشد تا تقلید از وی جایز باشد .

از حضرت امام صادق (ع) منقول است که :

«هر کدام از فقها که قادر بر نگهداری خویش باشد ، دین خود را حفظ کند ، مخالف هواهای نفسانی خویش و مطیع و فرمانبر مولای خود باشد ، عوام مردم می توانند از او تقلید کنند .»

معلوم می شود تنها دارا بودن «مَلَکه اجتهاد» و تخصّص در استنباط احکام الهی ، کافی نیست که فردی یا گروهی

در مسائل دینی خود تکیه به فتوای آن مجتهد کرده و از رأی او تبعیّت نمایند ! چه آنکه ممکن است او در عین داشـتن قدرت استنباط احکام از کتاب و سنّت ، دارای ضعف اراده و سستی همّت در مقابل تمایلات «نفس امّاره بالسّوء» بوده و با آنهمه علم و آگاهی از معارف و احکام ، مجذوب جلوه گریهای دنیای فریبنده مکّار گردد و اتّباع «هوی» را بر اطاعت «مولا» مقدم دارد . لذا بر توده مردم که موظّف به تقلید از فقیه در مسائل احکام دین خود می باشند ، لازم است همانگونه که فحص و جستجو از افراد واجد شرط اجتهاد و تخصّص در فنّ استنباط احکام می کنند ، همچنان لازم است با جدّ و اهتمام شدید در مقام فحص از این باشـند که شـخص مجتهـدی که می خواهنـد از او تقلیـد در احکـام دین خود بنماینـد ، دارای ملکه تقوا و صـیانت نفس و ترک هوی نیز باشد . و در صورت عدم و نداشتن این فضیلت عُلْیا ، حق تقلید از او را ندارند اگر چه در درجه اعلای از علم و اجتهاد و تخصّص فنی استنباط احکام باشد .

احکام تقلید

مسأله ۱ــ عقیـده مسـلمان باصول دین بایـد از روی دلیل باشـد و نمی توانـد در اصول دین تقلیـد نماید یعنی بدون دلیل گفته کسی را قبول کند . ولی در احکام دین باید یا مجتهد باشد که بتواند احکام را از روی دلیل به دست آورد ، یا از مجتهد تقلید کنـد ، یعنی به دسـتور او رفتار نمایـد ، یا از راه احتیاط طوری به وظیفه خود عمل نمایـد ، که یقین کنـد تکلیف خود را انجام داده است ، مثلاً اگر عـدّه ای از مجتهـدین عملی را حرام می داننـد و عـدّه ای دیگر می گویند حرام نیست ، آن عمل را انجام ندهـد ، و اگر عملی را بعضـی واجب و بعضـی مسـتحب می داننـد ، آن را به جا آورد . پس کسانی که مجتهـد نیسـتند و نمی توانند با احتیاط عمل کنند ، واجب است از مجتهد تقلید نمایند .

مسأله ۲ــ تقلیـد در احکام ، عمل کردن به دسـتور مجتهـد است . و از مجتهـدی بایـد تقلید کرد که مرد و بالغ و عاقل و شـیعه دوازده امـامی و حلالـل زاده و زنـده و عـادل باشـد . و عـادل کسـی اسـت که کارهـایی را که بر او واجب است به جـا آورد و کارهایی را که بر او حرام است ترک کند ، که اگر از اهل محل یا همسایگان او یا کسانی که با او معاشرت دارند

حال او را بپرسند ، خوبی او را تصدیق نمایند . و نیز مجتهدی که انسان از او تقلید می کند باید اعلم باشد ؛ یعنی در فهمیدن حکم خدا از تمام مجتهدهای زمان خود استادتر باشد .

مسأله ۳_ مجتهد و اعلم را از سه راه می توان شناخت : اوّل آنکه خود انسان یقین کند ، مثل آنکه از اهل علم باشد و بتواند مجتهد و اعلم را بشناسد . دوّم آنکه دو نفر عالم عادل که می توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند ، مجتهد بودن یا اعلم بودن کسی را تصدیق کنند ، به شرط آنکه دو نفر عالم دیگر با گفته آنان مخالفت ننمایند . سوّم آنکه عدّه ای از اهل علم که می توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند و از گفته آنان اطمینان پیدا می شود ، مجتهد بودن یا اعلم بودن کسی را تصدیق کنند .

مسأله ۴_ اگر شناختن اعلم مشکل باشد ، باید از کسی تقلید کند که گمان به اعلم بودن او دارد ، بلکه اگر احتمال ضعیفی هم بدهد که کسی اعلم است و بداند دیگری از او اعلم نیست ، باید از او تقاید نماید . و اگر چند نفر در نظر او اعلم از دیگران و با یکدیگر مساوی باشند ، باید از یکی از

آنان تقلید کند . ولی چنانچه یکی از آنان پرهیزکارتر باشد ، باید از او تقلید نماید .

مسأله ۵_ به دست آوردن فتوا ، یعنی دستور مجتهد ، چهار راه دارد : اوّل : شنیدن از خود مجتهد . دوم : شنیدن از دو نفر عادل که فتوای مجتهد را نقل کنند . سوم : شنیدن از کسی که انسان به گفته او اطمینان دارد . چهارم : دیدن در رساله مجتهد ، در صورتی که انسان به درستی آن رساله اطمینان داشته باشد .

مسأله ۶_ تا انسان یقین نکند که فتوای مجتهد عوض شده است ، می تواند به آنچه در رساله نوشته شده عمل نماید . و اگر احتمال دهد که فتوای او عوض شده جستجو لازم نیست .

مسأله ۷_ اگر مجتهد اعلم در مسأله ای فتوی دهد ، مقلّد آن مجتهد یعنی کسی که از او تقلید می کند نمی تواند در آن مسأله به فتوای مجتهد دیگر عمل کند . ولی اگر فتوی ندهد و بفرماید احتیاط آن است که فلان طور عمل شود ، مثلاً ـ بفرماید احتیاط آن است که در رکعت سوم و چهارم نماز سه مرتبه تسبیحات اربعه _ یعنی سبحان اللّه و

الحمـدللّه و لا اله الا اللّه و اللّه اکبر _ بگوینـد ، مقلّد باید یا به این احتیاط _ که احتیاط واجبش می گویند _ عمل کند و سه مرتبه بگوید ، و یا به فتوای مجتهدی که علم او از مجتهد اعلم کمتر و از مجتهدهای دیگر بیشتر است عمل نماید ، پس اگر او یـک مرتبه گفتن را کافی بدانـد ، می توانـد یک مرتبه بگویـد . و همچنین است اگر مجتهـد اعلم بفرمایـد مسأله محلّ تأمّل یا محلّ اشکال است .

مسأله ۸_ اگر مجتهـد اعلم بعـد از آنکه در مسأله ای فتوا داده احتیاط کند ، مثلاً بفرماید ظرف نجس را که یک مرتبه در آب کر بشوینـد پـاک می شود ، اگر چه احتیـاط آن است که سه مرتبه بشوینـد ، مقلّـد اونمی توانـد در آن مسـأله به فتوای مجتهد دیگر رفتار کند ، بلکه باید یا به فتوا عمل کند ، یا به احتیاط بعد از فتوا که آن را احتیاط مستحب میگویند عمل نماید .

مسأله ۹_ اگر مجتهدی که انسان از او تقلید می کند ، از دنیا برود باید از مجتهد زنده تقلید کرد . ولی کسـی که در مسأله ای به فتوای مجتهدی عمل کرده ، اگر بعد از مردن مجتهد در آن مسأله به فتوای مجتهد زنده رفتار نکرده

باشـد ، می توانـد در آن مسـأله به فتوای مجتهـدی که از دنیـا رفته باقی باشـد ، اگر چه احتیاط مسـتحب آن است که به فتوای مجتهد زنده رفتار نماید .

مسأله ۱۰_ اگر در مسأله ای به فتوای مجتهـدی عمل کنـد و بعد از مردن او در همان مسأله به فتوای مجتهد زنده رفتار نماید ، دوباره نمی توانـد آن را مطابق فتوای مجتهدی که از دنیا رفته است انجام دهد . ولی اگر مجتهد زنده در مسأله ای فتوی ندهد و احتیاط نماید و مقلّد مدّتی به آن احتیاط عمل کند ، دوباره می تواند به فتوای مجتهدی که از دنیا رفته عمل نماید . مثلاً اگر مجتهـدی گفتن یک مرتبه سُبحانَ اللّهِ وَالْحَمدُللّهِ و لا الهَ الا اللّه و اللّهُ اکبَر را در رکعت سوم و چهارم نماز کافی بداند و مقلّد مـدّتی به این دسـتور عمل نمایـد و یک مرتبه بگویـد ، چنانچه آن مجتهـد از دنیا برود و مجتهد زنده احتیاط واجب را در سـه مرتبه گفتن بدانـد و مقلّد مدتی به این احتیاط عمل کند و سه مرتبه بگوید ، دوباره می تواند به فتوای مجتهدی که از دنیا رفته برگردد و یک مرتبه بگوید .

مسأله ۱۱_ مسائلی را که انسان غالبا به آنها احتیاج دارد

واجب است یاد بگیرد .

مسأله ۱۲ــ اگر برای انسان مسأله ای پیش آید که حکم آن را نمی داند ، چنانچه ممکن است ، باید صبر کند تا فتوای مجتهد اعلم را به دست آورد . و اگر ممکن نیست بایـد به فتوای مجتهدی که علم او کمتر از مجتهد اعلم و بیشتر از مجتهدهای دیگر است عمل کند ، یا اگر می تواند از راه احتیاط وظیفه خود را انجام دهد .

مسأله ۱۳ــ اگر کسی فتوای مجتهدی را به دیگری بگوید ، چنانچه فتوای آن مجتهد عوض شود لازم نیست به او خبر دهد که فتوی عوض شده ، ولی اگر بعد از گفتن فتوا بفهمد اشتباه کرده ، در صورتی که ممکن باشد باید اشتباه را برطرف کند .

مسأله ۱۴ــ اگر مکلّف مـدتی اعمال خود را بـدون تقلیـد انجام دهد ، در صورتی اعمال او صـحیح است که با فتوای مجتهدی که وظیفه اش تقلیـد از او بوده یا با فتوای مجتهـدی که فعلاً بایـد از او تقلیـد کنـد مطابق باشـد ، یا از راه دیگری بفهمد که به وظیفه واقعی خود رفتار کرده است .

خود را بیازمائید

۱ــ اجتهاد را معنا کنید ؟

۲ــ اساسی ترین شرط اجتهاد بعد از کسب علوم چیست؟

۳ــ بغیر از تخصّص در استنباط احکام برای مجتهد چه عنصر دیگری شرط اساسی است ؟

۴ــ معنای تقلید چیست ؟ توضیح دهید .

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹